

اخبار

قیمت نفت به دلیل نگرانی‌های

عرضه افزایش یافت



قیمت نفت در معاملات روز سه‌شنبه بازار جهانی به دلیل نگرانی‌ها در مورد از سرگیری آهسته‌تر از حد انتظار ترانزیت‌عرضه از طریق تنگه کلیدی هرمز، افزایش یافت.

به گزارش ایسنا، قیمت نفت برنت با ۲۶ سنت معادل ۰.۳ درصد افزایش، به ۸۳ دلار و ۴۲ سنت در هر بشکه رسید و نفت وست تگزاس اینترمیدیت آمریکا با ۴۶ سنت معادل ۰.۳ درصد افزایش، به ۸۱ دلار و ۱۲ سنت در هر بشکه رسید.

روز دوشنبه، در پی اعلام تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا برای پایان دادن به جنگ، قیمت نفت حدود ۵ درصد کاهش یافت و به پایین‌ترین سطح خود در بیش از سه ماه گذشته رسید.

همچنین قیمت گاز طبیعی اروپا روز دوشنبه با کاهش نگرانی‌ها در مورد اختلالات عرضه گاز طبیعی مایع (LNG)، ۶.۲ درصد کاهش یافت و به پایین‌ترین سطح خود در پنج هفته اخیر رسید.

قیمت قرارداد آتی ماه آینده هاب تی‌تی‌اف هلند که شاخص قیمت بازار اروپایی است، در طول معاملات روز دوشنبه به حدود ۴۳.۸ پیرو (۵۰.۹ دلار) در هر مگاوات ساعت کاهش یافت.

مسدود شدن تنگه صهیونی به ایران در ۲۸ فوریه (۹ اسفند)، باعث توقف تولید حدود ۱۴ میلیون بشکه در روز شده که معادل حدود ۱۴ درصد از تقاضای جهانی است. مقامات صنعتی می‌گویند بازگشت کامل به سطح تولید و پالایش قبل از جنگ احتمالا هفته‌ها، ماه‌ها یا حتی سال‌ها طول خواهد کشید. با وجود خوش‌بینی پس از این اعلامیه، جزئیات کامل تفاهم‌نامه به صورت عمومی منتشر نشده است. سرمایه‌گذاران همچنین با احتیاط‌نظاره‌گر این هستند که تولیدکنندگان خارج‌ریانه پس از خسارات ناشی از جنگ، با چه سرعتی می‌توانند تولید و صادرات نفت‌را سر بگیرندو آیا کشتی‌های بیشتری وارد منطقه خواهند شد یا خیر. تیم واتر، تحلیلگر ارشد بازار در شرکت «کی‌سی‌ام تردی» گفت: «ممکن است جزئیات مشکل‌ساز باشند و تا زمانی که این جزئیات مشخص نشود، بازار احتمالا در مورد کاهش بیشتر نرخ اضافی ریسک در بازارهای انرژی، خویش‌ن‌داری نشان خواهد داد.» بر اساس گزارش رویترز، تونی سیکامور، تحلیلگر بازار در شرکت آچی‌جی گفت: «مسیر بازگشت به جریان‌های عرضه‌عالی هنوز به هیچ وجه هموار نیست.» او افزود: «پاکسازی مین‌ها، بازگرداندن پوشش کامل بیمه دریایی و آماده‌سازی کشتی‌ها و اپراتورها برای بازگشت به خلیج فارس، همگی زمان‌بر خواهند بود، همانطور که بازگرداندن جاه‌های تعطیل شده و زیرساخت‌های منطقه‌ای آسیب‌دیده به حالت عملیاتی، زمان‌بر خواهد بود.»

بانک سیتی روز دوشنبه با اشاره به انتظارات مبنی بر از سرگیری و عادی‌سازی جریان تجارت تنگه هرمز، پیش‌بینی‌هایی‌خود از میانگین قیمت نفت برنت برای سه ماهه سوم و سه ماهه چهارم سال ۲۰۲۶ را به ترتیب به ۷۵ و ۷۰ دلار در هر بشکه کاهش داد.

با هدف توسعه روابط پولی و بانکی؛ همتی به مسکو رفت



رئیس‌کل بانک مرکزی در راس هیاتی با هدف توسعه روابط پولی و بانکی میان ایران و روسیه، صبح امروز ۲۶ خردادماه عازم مسکو شد. به گزارش خبرآنلاین، با این که ایران در طول سال‌های گذشته همواره درگیر مذاکره بوده اما در یک سال اخیر دو بار در میانه مذاکرات مورد یورش نظامی ایالات متحده و اسرائیل قرار گرفت. شاید این تجربه موجب شده که عده زیادی، با وجود اخبار مثبتی که از مذاکرات می‌آید، تا امضا نشدن توافق، نگران هستند و احتمال می‌دهند دونالد ترامپ برای بار سوم هم عهدشکنی کند.

با وجود تردیدها و نگرانی‌ها، برای اقتصاد تضعیف شده ایران هیچ نوش‌دارویی بهتر از توافق نیست. به نظر می‌رسد تنها یک توافق می‌تواند فرصت اصلاحات ساختاری و حتی بهبود حکمرانی را فراهم کند. هر چند این احتمال که با رفع مشکل خارجی، اصلاحات داخلی کنار گذاشته شود، کم نیست اما به نظر نمی‌رسد بدون فرصت رفع تحریم و جنگ، در ساختار موجود چاره‌ای جز این، باقی بماند.

هادی حق شناس استاندار گیلان، در این باره به خبرآنلاین گفت: من فکر می‌کنم تفاهم احتمالی پیش‌رو و توافقی که ممکن است پس از ۶۰ روز بعد از آن، امضا شود، اثر مشابه اجرا شدن قطعه‌نامه ۵۹۸ را خواهد شد، البته با ابعادی محدودتر. زیرا ما با تفاهمی دو مرحله‌ای مواجیم که در گام نخست بناسات جنگ را پایان دهد و در گام بعدی، ظرف حدود ۶۰ روز وارد بحث حجم مبادلات اقتصادی گفت‌وگو کنند.

هر چند در یک سال گذشته، دویار مذاکرات به تفاهم نزدیک شد، اما ترامپ با حمله به ایران میز مذاکره را ترک کرد، اما به نظر می‌رسد پس از جنگ ۴۰ روزه، احتمال تفاهم ولو موقت بیشتر شده است. اقتصاد ایران پیش از جنگ هم درگیر مشکلات زیادی بود و جنگ و اقدامات بعدی آمریکا مانند محاصره دریایی مشکلات اقتصاد را دو چندان کرد. به نظر می‌رسد اگر توافقی پیش‌رو باشد، رفع محاصره دریایی و بازگشت بخشی از منابع بلوکه شده درگام‌های نخست آن محقق خواهد شد و پس از آن بحث‌ها به سمت موضوع هسته‌ای و تحریم‌ها خواهد رفت.

کمال سید علی، معاون پیشین ارزی بانک مرکزی در این باره به خبرآنلاین گفت: این دوره ۶۰ روزه بسیار مهم و تعیین کننده است، زیرا یک طرف این جنگ‌ها، دولت اسرائیل است که نشان داده خواهان صلح نیست و در آن دو ماه هم هر اتفاقی ممکن است بیافتد و حتی احتمال دارد همه چیز به روز اول، برگردد؛ بنابراین صحتی که این‌جا می‌شود، با فرض توافق احتمالی است.

او ادامه داد:از سوی دیگر با این که مایل به بیان حرف‌های سیاسی نیستم، لازم می‌دانم بر این نکته تاکید کنم که کشور ما در امر دفاع جدا موفق بود. منظورم این نیست ما ۱۰۰ درصد دشمن را شکست دادیم ولی می‌خواهم تاکید کنم دشمن را دفاع خوب و منسجم کشورمان در رسیدن به اهدافش ناکام گذاشت. بدون یک دفاع موفق و قاطع، امکان این‌که امروز بنشینیم و از توافق احتمالی حرف بزنیم، وجود نداشت.

معاون ارزی پیشین بانک مرکزی گفت: در پایان هر جنگی، هر نتیجه‌ای که حاصل شود، دو طرف پای میز مذاکره می‌نشینند. پایان جنگ‌ها مقطعی است که توسعه می‌تواند با شدتی مناسب یا بگیرد. به باور من اگر این عزم و اراده در مسئولان باشد، در شرایط پساتوافق، توسعه در ایران زمینه و فرصت بیشتری دارد. کافی است موانع فعلی از مقابل اقتصاد برداشته شود و تصمیم‌گیران هم همت کنند، تا کشور به سمت توسعه و پیشرفت با سرعتی بیشتر حرکت کند.

سید علی ادامه داد: در صورت پایان جنگ و تحریم، ما از نظر منابع ارزی، امکان تجارت خارجی و برگشت منابع ارزی بلوکه شده، در موقعیت دیگری قرار می‌گیریم. آن زمان انتظار می‌رود که به سرعت اقدامات انبساط و تورم‌زا گذار گذاشته شوند و سیاستگذار اولویت خویش را کنترل و کاهش تورم قرار دهد. در کنار کنترل تورم، با باز شدن دست دولت در هزینه، باید به سرعت سراغ ترمیم و بازسازی زنجیره تولید رفت.

از نظر این کارشناس پولی، رفع محاصره دریایی و بازگشت منابع



www.cbtekarnews.com

شرط بازگشت تورم به محدوده بیست درصدی چیست؟

کنترل تورم کلید حل مشکلات اقتصادی

معاون ارزی سابق بانک مرکزی می‌گوید با رفع تحریم‌ها یا حتی یک توافق نیم بند نرخ تورم کنترل خواهد شد و اگر پس از آن امکان فروش روزی ۲.۵ میلیون بشکه نفت به وجود آید، تورم به حدود ۲۰ درصد باز می‌گردد.



«صاحبان دلار»

در سال‌های گذشته با اغماض مواجعه شده بودند، اما به نظر می‌رسد رفع تحریم‌ها، می‌تواند این معادله را بر هم بزند

دلار را ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش دهد. ما پیش از این شاهد یک پیک بزرگ در قیمت دلار بودیم که قیمت را از ۹۰ هزار تومان به ۱۸۰ هزار تومان رساند و حالا وقت بازگشت بخشی از این جهش است. نرخ ارز باید آن‌قدر کاهش یابد که صادرات کشور روان بماند. او با تاکید بر این‌که حل مساله تورم، فوری‌ترین موضوع کشور است، ادامه داد: اگر تورم کنترل شود، بخش دیگری از مشکلات اقتصاد مرتفع خواهد شد. حتی رشد اقتصادی رونق خواهد گرفت

و سیاست‌های حمایتی موثرتر خواهند بود. با کنترل تورم، بازارهای موزاری را به تعادل خواهد کشاند و امکان مدیریت نرخ ارز هم فراهم می‌شود؛ بنابراین کنترل تورم، کلید حل مشکلات اقتصاد است.

ارزهای صادراتی باید به کشور برگردند

یکی از چالش‌های مهم سال‌های گذشته کشور، بدهکاران ارزی

ارزی، فرصت تامین کالاهای اساسی را فراهم می‌کند و از این نظر وضعیت کشور بهبود چشمگیری خواهد داشت.

تورم در ماه‌های گذشته بی در پی افزایش یافته است. در آخرین گزارش‌ها مرکز آمار تورم نقطه‌ای اردیبهشت را بیش از ۸۳ درصد و بانک مرکزی این شاخص را بیش از ۷۷ درصد محاسبه کرد. این

در حالی است که تورم خوراکی‌ها هم اندکی کمتر از ۱۳۰ درصد بود که موجب شده فشار بیشتری بر تهی‌رستان وارد شود. بدون رفع تحریم و محاصره دریایی، تا مرداد ماه تورم سه رقمی خواهد شد و احتمال مذاکره و توافق می‌تواند زمینه کنترل نسبی تورم را فراهم آورد.

سید علی در این باره توضیح داد: هدف دولت باید کنترل تورم باشد، در صورتی که تورم کنترل شود، قیمت ارز هم کنترل می‌شود. من فکر می‌کنم رفع تحریم‌ها می‌تواند به سرعت قیمت

چیزهایی که «تورم» از ما می‌دزدد

پایینی جامعه را در وضعیت بقا قرار داده که در آن هرچه سریع‌تر می‌دوند، کمتر به مقصد می‌رسند.

اما آثار تورم پنجاهساله، فقط در کیف پول مردم نیست، بلکه در ذهن و روان آن‌ها نیز نشسته است. زندگی در زیر سایه تورم مزمن، حس معلق بودن و بی‌ثباتی دائمی ایجاد می‌کند. انسان‌ها در این وضعیت دچار یک «اضطراب وجودی» همیشگی می‌شوند؛ ترسی مداوم از اینکه فردا چه خواهد شد و آیا در آینده می‌توانند هزینه‌های اساسی زندگی مانند اجاره خانه، درمان یا تحصیل فرزندانشان را تأمین کنند یا خیر.

این وضعیت، احساس ناتوانی و بی‌قدرتی عمیقی را به فرد تزریق می‌کند؛ حسی که در روان‌شناسی به آن «درماندگی آموخته‌شده» می‌گویند. فرد احساس می‌کند هرچقدر هم که سخت کار کند، پس‌انداز کند و شیفت‌های کاری خود را افزایش دهد، باز هم حریف تورم نمی‌شود. این ناکامی مستمر، عزت نفس افراد را ضعیف می‌کند، سرپرستان خانواده احساس می‌کنند در ایفای نقش خود ناتوانند و این موضوع به افسردگی‌های پنهان، خشم فروخورده و فرسودگی مفرط روحی منجر می‌شود. امید به آینده، که سوخت اصلی حرکت هر انسانی است، در این فضا از بین می‌رود و جای خود را به روزمرگی و تلاش صرف برای «زنده ماندن» به جای «زندگی کردن» می‌دهد.

آسپ‌های اجتماعی اقتصاد تورمی

این فرسایش روانی به سرعت به صحنه اجتماع کشیده می‌شود و روابط بین انسان‌ها را مسموم می‌کند. وقتی سرمایه روانی و مادی یک جامعه بر اثر تورم تحلیل می‌رود، آستانه تحمل افراد نیز به شدت پایین می‌آید و «اعتماد اجتماعی» را که جسد پویای جامعه است، نابود می‌کند. وقتی سطح اعتماد اجتماعی پایین می‌آید، در بازارها، خریدار و فروشنده دیگر دو شریک در یک دادوستد داوطلبانه نیستند، بلکه هر یک به دیگری به چشم یک تهدید نگاه می‌کنند. این بی‌اعتمادی، زمینه را برای فروپاشی اخلاقی هموار می‌سازد؛ چرا که وقتی بقای اقتصادی به خطر می‌افتد، ارزش‌هایی مانند انصاف، صداقت و نوع‌دوستی رنگ می‌بازند که می‌تواند جای خود را به رذایل اخلاقی مختلفی بدهد. در چنین جامعه‌ای، رفتارهای فرصت‌طلبانه و منتقل‌بانه به عنوان یک رذیلت اخلاقی، بلکه به عنوان راهکاری هوشمندانه برای نجات مالی تعبیر می‌شوند. علاوه بر این، ساختار نهاد خانواده نیز از تکانه‌های این زلزله دائمی در امان نمانده است. فشار اقتصادی ناشی از تورم، روابط میان خانواده‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. بخشی از طلاق‌ها و فروپاشی‌های خانوادگی در دهه‌های اخیر، ریشه در همین خستگی‌های مفرط مادی و ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه دارد.

از طرفی، جوانان با نگاه به قیمت مسکن و هزینه‌های سرسام‌آور زندگی، بی‌ازدواج و تشکیل خانواده هراس دارند که این امر به تغییرات بزرگ جمعیتی، پیری جمعیت و تنهایی خودخواسته نسل‌های جدید دامن زده است. شکاف نسلی نیز عمیق‌تر شده است؛ زیرا ارزش‌های نسلی که در دوران ثبات رشد کرده با واقعیت‌های ریسته نسلی که توان اثباتش سرمایه ندارد کاملاً متفاوت است. در نهایت، مهاجرت گسترده نخبگان و نیروهای متخصص که از ایجاد یک زندگی پایدار و پیش‌بینی‌پذیر ناامید شده‌اند، کشور را از سرمایه‌های انسانی محروم می‌کند. پنج دهه نرخ تورم دورقمی «فردیت» و «اسلامت روان» انسان‌ها را نیز ویران کرده است. وقتی تورم از یک دوره بحرانی گذرا به یک وضعیت پنجاهساله تبدیل

ظرفیت‌های خالی بزرگی ایجاد شده اقتصاد بررسی شد

احتمال دارد رشد دورقمی شود و تورم، تکرر قمی

شاخص کلی آن به جای روند فرآینده فعلی، کاهنده شود. از سوی دیگر وقتی منابع بلوکه شده به اقتصاد وارد می‌شوند، بخشی از نقدینگی موجود را جمع خواهد کرد. بنابراین توافق احتمالی از دو جهت به کاهش نرخ تورم منجر خواهد شد.

در سال ۹۴ هم مذاکرات میان تهران و واشنگتن به امضای معاهده برجام منجر شد. از بی بی این توافق برای دو سال پاییی در ۹۵ و ۹۶ تورم تک رقمی شد. اتفاقی که در تمام سال های پس از انقلاب تجربه نشده است. در میانه دهه که ۹۰ اوج تورم در ایران بود، امضای برجام زمینه تک رقمی شدن را فراهم کرد. همزمان نرخ رشد اقتصادی هم به بالاترین نرخ تجربه شده در نیم قرن اخیر تبدیل شد.

پیش‌بینی یک کارشناس از اقتصاد پساتوافق / حق شناس: شبیه دوره پسابرجام،احتمال دارد رشد دو رقمی می‌شود و تورم، تک‌رقمی حق شناس در مورد این‌که چقدر اثرات تفاهم احتمالی بر اقتصاد مشابه برجام خواهد بود، گفت: احتمالاً با شرایطی مشابه پسابرجام مواجه شویم. از مجموع ۴ ساله که در ۴۸ ساله گذشته تورم تک رقمی بوده، دو سال آن پس از برجام رخ داد. از سال ۵۲ تا به امروز نیز تنها در سال‌های ۹۵ و ۹۶ تورم برای دو سال متوالی تک رقمی بود. ابعاد رفع تحریم ها می‌تواند تا این اندازه رکوردهای مثبتی به ثبت برساند.

او در مورد رشد اقتصادی احتمالی در سال جاری گفت: با توجه به وضعیتی که کشور دارد و ظرفیت‌های خالی بزرگی که در اقتصاد ما ایجاد شده، انتظار

بازاروسرمایه

بوند که ارز حاصل از صادرات در نمی‌گردانند و با فشار دولت را مجبور به افزایش قیمت دلار می‌کردند. «صاحبان دلار» در سال‌های گذشته با اغماض مواجه شده بودند، اما به نظر می‌رسد رفع تحریم‌ها، می‌تواند این معادله را بر هم بزند.

معاون پیشین ارزی بانک مرکزی در این باره توضیح داد: در یک سال گذشته کشورمان درگیر جنگ جدی بود و این وضعیت موجب شد دولت با احتیاط حداکثری با بدهکاران ارزی برخورد کرد. شرایط جنگی موجب شد تا ترجیح بدهند با این افراد برخورد قضایی نشود. با این همه اکنون باید وجهی که دست این افراد است به کشور بازگردد. با بازگشت این منابع ما هم امکان بازسازی بهتر داریم و هم تقویت توان دفاعی. این منابع وقتی به کشور برگردند، دولت می‌تواند با واردات تا حدی تورم را کاهش دهد و معیشت را بهبود بخشد.

سیدعلی درباره چرایی برخورد ملاحظه‌کارانه با بدهکاران ارزی گفت: سرمایه اجتماعی در این سال‌ها به شدت لطمه خورد و به حداقل رسید و ترجیح داده شد در این شرایط، با این افراد برخورد مدیریت شده انجام دهند. دولت در خیلی مسائل با اغماض برخورد کرده است. در جمله در برخورد با همین افراد، و حالا زمان آن فرا رسیده که جدیت بیشتری نشان داده شود و آنها را به برگشت منابع مجاب کنند.

آثار فوری و میان مدت توافق بر تورم

سیدعلی در این مورد پاسخ داد: اعتقاد من این است که حتی یک توافق نیم بند، به شرط جلوگیری از جنگ آتی، می‌تواند به سرعت روند شاخص‌های کلان و به طور خاص تورم را دگرگون کند. ما اساسا گل با همین منوال ادامه یابد، با نرخ تورم بسیار بالایی مواجه خواهیم شد. کنترل این تورم به سرعت و در طول چند ماه ممکن نخواهد بود و اگر توافقی نیم بند هم صورت بگیرد و محاصره دریایی رفع شود، تا اندازه‌ای سرعت افزایش تورم گرفته خواهد شد. او افزود: چنان‌چه تحریم‌ها تضعیف شوند و از وضعیت نه جنگ

نه صلح به وضعیت صلح برسیم، در همین سال جاری تورم حدود ۶۰ درصد خواهد شد، اما برای سال ۱۴۰۶ این روند ادامه خواهد یافت. میزان کاهش تورم به طور مشخص به میزان درآمد ارزی کشور مرتبط است و تورمی که در آینده تجربه خواهیم کرد رابطه مستقیمی دارد با این‌که چقدر نفت خواهیم فروخت.

از نظر این تحلیل‌گر اقتصادی اگر ایران به فروش روزانه دو و نیم میلیون بشکه نفت برسد و همزمان صادرات غیرنفتی فقط ۳۵ میلیارد دلار باشد، چالش تورم کنترل خواهد شد و نرخ تورم به حدود ۲۰ درصد در سال کاهش خواهد یافت.

می‌شود، دیگر نمی‌توان آن را صرفاً پدیده اقتصادی قلمداد کرد. در این وضعیت، تورم به یک عامل روان‌گردان جمعی بدل می‌شود که به آرامی ساختار روانی انسان‌ها را تراش می‌دهد، هویت مستقل آن‌ها را ذوب می‌کند و از یک انسان خلاق با آرزوهای منحصربه‌فرد، موجودی کپی‌شده می‌سازد که تنها رسانتش دست‌وپا زدن در باتلاق روزمرگی برای زنده‌ماندن است. کافی‌ست به چشمان خسته آدم‌های اطراف خود نگاه کنیم تا ببینیم چگونه یک پدیده مادی، روح یک ملت را به تسخیر خود درآورده است.

بزرگ‌ترین جنایت تورم مزمن علیه «فردیت» انسان‌ها، مصادره کردن زمان و فضای ذهنی آن‌هاست. ساختن فردیت و شکوفا کردن استعدادهای درونی، نیازمند آرامش خاطر، فرصتی برای توسعه فردی و امنیت خاطر نسبت به آینده است. اما در جامعه‌ای که ارزش پول ملی هر روز سقوط می‌کند، ذهن فرد به یک ماشین حساب دائمی تبدیل می‌شود که مدام درگیر قیمت‌ها و محاسبه هزینه‌های زندگی است. این هجوم بی‌وقفه افکار مادی، تمام پهنای باند مغز را اشغال می‌کند و دیگر هیچ توان ذهنی برای تفحیر، معاشرت با دیگران، آموختن هنر، ادبیات، خودشناسی، تفکر عمیق و اصالت فردی باقی نمی‌گذارد. انسان‌ها در این چرخه باطل، فرصت نمی‌کنند کشف کنند که واقعاً چه کسی هستند، چه سلیقه‌ای دارند یا به چه چیزی علاقه‌مندند؛ چرا که جامعه آن‌ها را مجبور کرده که همگی به یک چیز واحد و تکراری فکر کنند: «چگونه هزینه‌هایم را تأمین کنم؟».

در شرایط تورمی، انسان احساس می‌کند روی یک زمین لرزان ایستاده که ممکن است زیر پایش خالی شود. این حس که دستاوردهای مادی و تلاش‌های چندین‌ساله شما می‌تواند با یک موج تورمی جدید در عرض چند ماه دود شود و به هوا برود، حس ناامنی عمیقی ایجاد می‌کند. این اضطراب، یک تنش ساده نیست؛ بلکه یک وحشت دائمی از آینده است که سیستم عصبی افراد را در حالت «جنگ یا فرار» همیشگی نگه می‌دارد. ترشح مداوم هورمون‌های استرس در بدن یک جامعه به مدت پنجاه سال، به فرسودگی مفرط روانی و خشم‌های فروخورده منجر می‌شود. فرد در این فضا احساس می‌کند کنترل زندگی از دستش خارج شده و هیچ پیوندی میان «میزان تلاش» و «میزان موفقیت» او وجود ندارد؛ عدالتی در کار نیست و همه‌چیز به شانس، رانت، رابطه، زرنگی یا سرعت عمل در خرید دارایی‌ها بستگی دارد. اینجاست که حس «درماندگی» سایه می‌اندازد و فرد به این نتیجه می‌رسد که اراده او هیچ تأثیری بر سرنوشتش ندارد.

تبعات این درماندگی، مستقیماً عزت نفس و آزادی انسان‌ها را متلاشی می‌کند. هویت و غرور بسیاری از افراد، به توانایی آن‌ها در تأمین رفاه، آسایش و آینده خود یا فرزندان‌شان گره خورده است. تورم افسارگریخته، این توانایی را به شکلی بی‌رحمانه از آن‌ها سلب می‌کند. وقتی یک پدر یا مادر با وجود کار کردن در دو یا سه شیفت، باز هم از پس خرید ابتدایی‌ترین خواسته‌های فرزندش یا تمدید قرارداد خانه یرنمی‌آید، دچار یک حس عمیق شرمساری و بی‌کفایتی درونی می‌شود. این شرم پنهان، به تدریج فرد را منزوی می‌کند؛ زیرا او برای فرار از واقعیت‌ها یا تماشای ناتوانی خود، روابط اجتماعی‌اش را قطع می‌کند. انسان منزوی‌شده و آسیب‌دیده از تورم، دیگر خودش را به عنوان یک «فرد صاحب حق و کرامت» نمی‌بیند، بلکه خود را بازنده در مسابقه زندگی می‌پندارد. این فروپاشی عزت نفس، بستر را برای شیوع گسترده افسردگی و رفتارهای پرخطر برای فرار از واقعیت فراهم می‌کند.



می‌رود ظرف مدت کوتاهی دویار رشد اقتصادی به نحو چشمگیری بالا برود و اگر درست عمل شود، ممکن است برای دومین بار با رشد اقتصادی دو رقمی مواجه شویم. هر چند نباید تصور کنیم که در سال ۱۴۰۵ این اتفاق خواهد افتاد؛ در سال جاری به نحو چشمگیری از تورم کاسته می‌شود و رشد اقتصادی هم تا حدی بالا می‌رود ولی به احتمال زیاد اثرات اصلی را از ۱۴۰۶ مشاهده کنیم.